



تطبيق مضامين اخلاقی و تربیتی در قرآن و شعر در دوران حاکمیت آل بویه و مغولان (اشعار شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای)

آذر امیری میرجانی^۱، اسماعیل اسلامی^۲ ، حمید طبسی^۳

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. azaramiriz917@gmail.com

^۲(نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار زبان و ادبیات عرب، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. mkikh14@gmail.com

^۳ دکتری تخصصی، استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. mbavad@gmail.com

چکیده

در فرهنگ اسلامی، قرآن به عنوان کتاب آسمانی یکی از مهم‌ترین منابع اخلاقی و تربیتی است. به همین دلیل از سوی بسیاری از هنرمندان و شعرا در دوره‌های تاریخی به‌عنوان یک منبع غنی استفاده شده است. از سوی دیگر هنر شعرسرایی نیز در ادوار گذشته و حال به‌مثابه ابزاری کارآمد، در اختیار شاعران بوده است. همواره آن را وسیله انتقال افکار و عقاید و اندیشه خلاق و هوشمندانه خود در رفع مشکلات و موانع و چالش‌های گوناگون می‌دانستند و با توجه به شرایط جامعه و مخاطبین آن، نقاب از رخ اندیشه بر می‌داشتند و راهکار مناسب را به جامعه هدیه می‌کردند. بر همین اساس پژوهش حاضر به بررسی اشعار تعلیمی و تربیتی دو شاعر بزرگ شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای پرداخته است. شعر این شاعران نیز متأثر از دو دوران حاکمیت مغولان و آل بویه است. در دوران آل بویه و مغولان برای شاعران و اهل علم ارزش خاصی قائل بودند. در دوران اوحدی مراغه‌ای ارزش عرفان و تصوف در ایران به اوج خود رسیده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. از نتایج این پژوهش چنین برمی‌آید که اشعار این شاعران در بردارنده معانی و مضامین والای اخلاقی و تربیتی و اجتماعی هستند که جوامع امروزی هم می‌توانند از آن‌ها الگو بگیرند.

اهداف پژوهش

۱. بازشناسی مضامین اخلاقی و تربیتی در قرآن و شعر در دوران حاکمیت آل بویه و مغولان.

۲. مطالعه مضامین اخلاقی و تربیتی در آثار شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای.

سؤالات پژوهش

۱. مضامین اخلاقی و تربیتی چه جایگاهی در قرآن و شعر دوره آل بویه و مغولان دارند؟

۲. مضامین اخلاقی و تربیتی چه جایگاهی در آثار شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۴

دوره ۱۸

صفحه ۷۷ الی ۹۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

شریف المرتضی،
اوحدی مراغه‌ای،
مضامین اخلاقی و تربیتی،
آل بویه،
مغولان.

ارجاع به این مقاله

امیری میجانی، آذر، اسلامی، اسماعیل، طبسی، حمید. (۱۴۰۰). تطبیق مضامین اخلاقی و تربیتی در قرآن و شعر در دوران حاکمیت آل بویه و مغولان (اشعار شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای). هنر اسلامی، ۱۸ (۴۴)، ۷۷-۹۰. هنر اسلامی، ۱۸ (۴۴).



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.44.10.5



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.247435.1335

مقدمه

اعتقاد بر این است که ادبیات هنر است و شاعران و ادیبان، هنرمندان عرصه زیبایی‌شناختی اندیشه هستند. زبان هر شاعری انعکاس عواطف و احساسات و اندیشه‌های ناب و راهگشایی است که شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... بر او تأثیر گذاشته است. این مسائل و شرایط باعث شده هنر ادبیات و شعر و شاعری در دوره‌های مختلف از لحاظ صورت ظاهر، عمق، زبان، فکر و تعبیر، نقاط قوت و ضعفی داشته باشد. دوران شریف المرتضی در سده چهارم هجرت بغداد گاهواره دانش، کانون دانشی مردان و انجمن نویسندگان، شاعران و ادیبان بود. آنجا دربارهای خلیفگان و شاهان و امیران آکنده از گونه‌های مناظره و جدل و گفتگو بود. کتابخانه‌ها آباد از هزاران کتاب تألیف و ترجمه و مفصل و مختصر و خانه‌های عالمان و حلقه‌های درس نیز مالمال جویندگان ادب و پیشاهنگان دانش و شناخت از کران تا کران زمین بود. در این دوران شاهان آل بویه از چنان حس ظریف، طبع سرشار، ذوق بیدار و خرد زنده‌ای بهره داشتند که شاعران را عطایایی سرشار می‌دادند، ادیبان را قدر می‌شناختند و در بسیاری از اوقات زمام وزارت و امارت و قضاوت را به آنها می‌سپردند. به شیعیان علاقه خاصی و به علویان ارادتی وصف‌ناشدنی داشتند و بالاترین سمت‌ها را به آنها می‌سپردند. شریف المرتضی و برادرش شریف الرضی در کنار آن‌ها از جایگاهی ویژه و منزلتی متعالی نزد خلیفگان عباسی و امیران آل بویه برخوردار بود. داد و ستد فرهنگی از لوازم بدوی هر ملت فرهنگ‌آفرین و متمدن است که بر آن سر است تا ماندگار باشد و جاودان ماند. هر کشوری که بخواهد به حیاط معنوی خویش در راستای حال و آینده ادامه دهد، از اخذ و اقتباس داد و ستد فرهنگی ناگزیر است. از آنجا که ماهیت بشر، در همه جای جهان و در تمام ادوار و زمان‌ها ثابت بوده است، می‌توان مشابهت افکار و اشتراک مضامین را در واقع مبین وحدت نیازهای بشر و همسانی معضلات و معماهای آدمی و تشابه مسایل و دشواری‌های دیروز و امروز او در اینجا و آن جای گیتی دانست. هدف این است که معاصران در آیین افکار گذشتگان، گوشه‌هایی از حال و آینده را بتوانند ملاحظه کنند و به ارزش راستین تاریخ و فرهنگ آداب و رسوم و باورداشته‌های کهن که تأملات مفاخر فکری بزرگان اندیشه و خردمندان و فرزائگان عالم انسانی است، پی ببرند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال بررسی مضامین تربیتی و اخلاقی در آثار متعددی مورد توجه قرار گرفته است. ایران‌منش و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در شاهنامه فردوسی با نگاه به آموزه‌های تربیتی قرآن کریم» به بررسی مضامین اخلاقی و تربیتی در شاهنامه به عنوان یک اثر ادبی با محوریت آموزه‌های قرآنی پرداخته است.

با این تفاسیر در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، به بررسی مضامین اخلاقی و تربیتی در شعر دوره آل بویه و مغولان پرداخته شده است.

۱. زندگی شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای

علی بن الحسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الامام موسی بن جعفر الکاظم (ع) فقیه، متکلم، ادیب، نویسنده و از نوادر دانشمندان جهان اسلام و تشیع است. آن عالم جامع که معروف به سید المرتضی علم‌الهدی و نیز الشریف المرتضی است و برادر فاضل بزرگوارش، سید محمد بن الحسین الموسی (سید رضی)، از اندیشمندان بزرگ قرن چهارم و پنجم و از شاگردان برجسته فخر الشیعه الامامیه، شیخ مفید هستند. سید المرتضی در ماه رجب سال ۳۵۵ در بغداد دیده به جهان گشود و در همین شهر به فراگیری علم پرداخت و در همه زندگی خویش در همین شهر دست به کار دانش بود. نخستین تجربه‌های او در دانش‌اندوزی و ادب‌آموزی نزد استادش محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید به تحقق پیوست. مادرش او و برادرش، سید رضی را که هنوز دوران نوباوگی را پشت سر نهاده و خردسال بودند نزد مفید برد و این دو برادر از او علم آموختند و نزد او دانش آموخته شدند. (سید مرتضی، ۴۳۶: ۱۴). مشهورترین تألیفات باقی‌مانده از وی به شرح زیر است: *أمالی المرتضی در الرقلا ند و غرر الفوائد*، *انقاذ البشر من القضاء و القدر*، *کتاب الطیف و الخیال یا طیف الخیال*، *تفسیر قصیده سید حمیری معروف به قصیده سید حمیری*، *کتاب التنزیه، الشافی فی الامامه، الذریعه فی اصول الفقه، الشهاب فی الشیب و الشباب، مسائل الناصریات، المسائل الموصولیه، المسائل الطرابلسیه*، *تفسیر سوره حمد و تفسیر ۱۲۵ آیه از سوره بقره*، *دیوان شعر مشتمل بر بیست هزار بیت شریف المرتضی بیشتر یک فقیه است تا شاعر و جنبه‌های فقهی و دینی آثارش از بعد ادبی آن وزین‌تر و پررنگ‌تر است*. سرانجام این دانشمند کم‌نظیر که به اعتراف همه نویسندگان شیعه و سنی، یگانه روزگار خود بود، بعد از وفاتش در خانه‌اش در بغداد به خاک سپرده شد. سپس به کربلا منتقل شد و در جوار نیاکان و برادرش سید رضی و جدش ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد (سیاوشی، ۱۳۹۱: ۱۲۸ و ۱۲۹).

شیخ اوحدالدین یا «رکن‌الدین»، بن حسین اوحدی مراغه‌ای از شاعران معروف قرن هفتم و هشتم هجری قمری و از عارفان و عاشقان مشهور عهد خویش است. اسم او را در تمامی مآخذ با رکن‌الدین یا اوحدالدین ذکر کرده‌اند و حتی در تاریخ گزیده فقط تخلص او را ذکر کرده و نام او از قلم افتاده است. اسم یا لقب اوحدی در بعضی از مآخذ مانند *نفحات الانس*، *مجالس المؤمنین و بهارستان اوحد‌الدین* و در بعضی رکن‌الدین و نسبتش نیز در مآخذ گاه اصفهانی و گاه مراغه‌ای است. علت آن است که پدرش اصفهانی بوده لیکن چون ولادت و وفات شاعر در مراغه اتفاق افتاده و مدتی طولانی در آن شهر به سر برده، به مراغه مشهور شده است. تخلص اوحدی در اوایل کارش صافی بوده چنان که در بعضی اشعار او دیده می‌شود. مثلاً در این رباعی:

برخیز و روان در لب صافی بنگر تا سرو روان در لب ساقی بینم

یا

ای خاک تو آب سبزه‌زار صافی تابوت تو سرو جویبار صافی

تا عمر مراغه بود هرگز نشاند مانند تو سرو در کنار صافی

تاریخ ولادت اوحدی به‌درستی معلوم نیست، فقط از یک اشاره وی در جام جم می توان به دست آورد؛ زیرا منظومه «جام جم» را اوحدی در سال ۷۳۳ هجری قمری تمام کرد. در آن تاریخ شصت سال داشته است که خود گوید:

اوحدی شصت سال سختی دید

تا شبی روی نیک بختی دید

به این ترتیب ولادتش مصادف خواهد شد با سال ۶۷۳ هجری قمری، زندگانی اوحدی در روزگاران نخست از حیات وی در مراغه سپری شد و بعد از آن به سیر و سیاحت پرداخت (اشرفی، ۱۳۶۲: ۲۵ و ۲۶).

در کتاب عرفان عارفان ایرانی از بایزید بسطامی تا نور علیشاه گنابادی آمده است که اوحدی در مراغه در نیمه دوم شعبان سال ۷۳۸ هجری زندگی را بدرود گفته است.

۲. نقد و بررسی آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در اشعار شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای

بسیاری از شخصیت‌های اهل علم و دانش و هنر، معمولاً اهل درد هم هستند و در برابر خوشی‌های روزگار و نابسامانی‌های آن علاوه بر اینکه غره نمی‌شوند؛ بلکه راه نجات دیگران را نیز در اندیشه خود می‌پروراندند. در این پژوهش از دو شاعر سخن به میان می‌آید که هم‌عصر نیستند؛ اما به علت پایبندی به مسائل دینی و مذهبی دین اسلام و با استفاده از مضامین زیبای اخلاقی و عرفانی راهنما و راهگشای بشریت شده‌اند. نمونه‌های بسیاری از فضایل اخلاقی و محاسن اخلاق و نفی رذایل اخلاقی در شعر این دو شاعر، شریف المرتضی شاعر شیعه‌مذهب و اوحدی مراغه‌ای اهل تسنن هر دو مسلمان مقید به دین اسلام به چشم می‌خورد؛ لذا اینجا به ذکر چند نمونه از بارزترین آن‌ها اشاره می‌شود. معمولاً شخصیت‌های علمی و اهل درد چه شاعر باشند و چه نویسنده یا هر شغل یا وظیفه‌ای که داشته باشند، در کنار آن؛ مسائل اجتماع و فرهنگ را بررسی می‌کنند و بر مبنای ثبت راهبردهای مکارم اخلاق و محاسن اخلاق در آثار خود، بشریت را به راه راست هدایت می‌کنند.

۲.۱. پند و اندرز

شاعر شریف مرتضی شخصیت شیعه‌مذهب، منتسب به خاندان علوی از سادات و مقید به دین اسلام و قرآن و فرامین الهی است و در دوران حیات علمی و شکوفایی علمی اش کانون توجه بزرگان و اهل علم امیران بوده است. چنان است که شخصیت‌هایی از ادیان مختلف شیفته کلاس و درس و وعظ او بوده‌اند و این نشان‌دهنده شخصیت فرامذهبی او است. شریف مرتضی در اشعار زیر به ثروت‌اندوزان پند و اندرز می‌دهد، تا به وسیله آن راه سعادت و کمال خود را در پیش گیرند که تحفه‌ای برای آخرت آنان شود نه میراثی ماندگار برای دیگران و بن‌بست دنیا که هیچ سودی به حال آن‌ها نخواهد داشت.

الموراث خزان

إلا إن ذوی الاموال

فی ذی الدار عمیان

تعامینا و کلّ الناس

أسماع و أذان

و لودنیا ولكن أین

(حسینعلیان، ۱۳۹۴: ۳)

اینجا خطاب به دنیاپرستان می‌گوید: آیا نمی‌بینید مال دنیا مثل برگ پاییزی است که فرو می‌ریزد و باقی نمی‌ماند؛ پس چرا در جمع‌آوری آن طمع دارید و چشم و گوش خود را بسته‌اید؟ این همه مال و ثروتی که اندوخته‌اید، برای وارثان است نه برای خودتان، پس آن را به نحو احسن در کار خیر به کار گیرید تا ذخیره‌ای برای آخرتان باشد. اوحدی نیز توصیه می‌کند که نباید دل به دنیا بست؛ چراکه این دنیا آباد نیست بلکه ویرانه است و چنین بیان می‌دارد، اگر دل به متاع دنیا ببندی حتماً در دام این دنیا نیز اسیر و گرفتار خواهی شد، پس به دنبال آباد کردن دنیا هرگز نباشید.

نگفت که: منه دل برین خراب آباد؟

که بر کف تو نخواهد شد این خراب، آباد

دلت ز دام بلا گرچه می‌رمد ببین

که : هم بدانه نظر کرد و هم بدام افتاد

به خانه ساختند میل بود و می‌گفتم :

نگاه دار که بر سیل می‌نهی بنیاد

(اوحدی، ۱۳۶۲: ۴۰)

افرادی که به دنیا و متاع دنیا بها می‌دهند، طبق آیه ۷ سوره یونس از غافلان هستند:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

آنهایی که به لقاء ما دل نبسته و امیدوار نیستند و به زندگی پست دنیا دلخوش و دلبسته‌اند و آنهایی که از آیات و نشانه‌های ما غافلند.

امام علی (ع):

إِنَّ الدُّنْيَا مَسْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَ لَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصًا عَلَيْهَا وَ لَهَا بِهَا وَ كُنْ يَسْتَعْنِي صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ فِيهَا عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ مِنْهَا

به‌راستی که دنیا آدمی را به کلی سرگرم خود می‌سازد و دنیاپرست به چیزی از آن نرسد، مگر آن که باب حرص و شیفتگی به آن بر رویش گشوده شود و به آنچه از این دنیا دست یافته اکتفا نمی‌کند تا در پی چیزی که به دست نیآورده نرود.

(نهج‌البلاغه صالح : ۴۲۳)

زین چیزها که داری و دل بسته‌ای درو

دریاب تا چه چیز تو را روی در بقاست

نفست و حکمت آن که نمیرد به وقت مرگ

وین آلت دگر همه را روی در فناست

این گنج مال و خواسته کاندوختی به عمر

می‌دان که یک به یک ز تو خواهند باز خواست

گردانه می نشود جز به آسیاب

ما دانه‌ایم و گردش این گنبد آسیاب

(دیوان، ۳۳)

شاعر در بسیاری از اشعار خود بر ترک تعلقات دنیوی تأکید دارد و کام یافتن در دنیا را زود گذر دانسته و همچنان دنیا را در حق انسان بی‌وفا می‌پندارد مگر اینکه انسان از دنیا به‌عنوان وسیله و ابزار کارآمدی استفاده کند برای آخرت و زندگی جاودانه‌ی اخروی خودش.

۲.۲. تهذیب نفس

وقتی صحبت از تهذیب نفس به میان می‌آید، بی‌وقفه ذهن انسان به جستجوی چیزی متعالی می‌پردازد که از آن می‌توان نخست به محاسن اخلاق و سپس به مکارم اخلاق پی برد؛ زیرا اگر این دو در وجود هر انسانی رشد یابند و دیگر بحث تهذیب نفس به شکل آرمانی خودش محقق شده است.

در سوره بقره، آیه ۱۲۹ چنین آمده است :

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزّه سازد که تو بر هر کار که خواهی قدرت و علم کامل داری.

و إن الطّوی با بالعز احسن بالفتی

و إن لأنهی النفس عن کلّ لذه

و أعرض عن نیل الثریا إذ ابداء

أعفّ و ما الفحشاء عنی بعیده

ولکنّ من ولی عن السوء حزمه

(امالی: ۲ / ۸۸۲)

شریف المرتضی در این اشعار چنین بیان می‌دارد که ممکن است موقعیت‌های فراوانی برای به هم خوردن تعادل روحی و نفسانی‌مان به وجود آید؛ بلکه باید همواره در تمامی لحظات با امر مراقبه و خرد انسانی نفس خود را مدیریت کنیم و به مرحله‌ی بازدارداری برسیم. در عمق معنای این اشعار چنین است که هر شخص می‌تواند معلم خودش باشد و به تربیت نفس خودش بپردازد.

غلامی می‌کنم تا زنده باشم

بمیرم، همچنانند بنده باشم

مرادم بعد ازین امیدواری

روان گردان، به امیدی که داری

(اوحدی، ۱۳۶۲، ص المرتضی هیب نفس، نفی نقیصه از نفس بوده و اثبات کمال به آن است. اوحدی در این اشعار بیان می‌دارد در زمان حیات و مرگ هر دو بندگی تو را خواهیم کرد، زیرا به درگاه خداوند متعال امیدوارم و آرزوی مرا برآورده خواهد کرد و حاجتم را خواهد داد. بازتاب این ابیات چنین است که انسان به غیر از یاد خدا و راه خدا در دنیا و آخرت نباید هیچ راهی را انتخاب کند و لحظه‌ای از یاد خدا در همه امور حتی نفس کشیدن و ادامه حیات غافل نباشد. به عقیده شاعر پذیرش خواهش‌های نفسانی اوج ذلت و خواری و دون‌مایگی است.

ز خاکدان فنا هیچ آبرویی نجوی

کزین هوس تو به آتش روی و عمر به یاد

به حرص بر دل خود نقش زر مکن شیرین

که آخر از غم شیرین هلاک شد فرهاد

گشاده کن به کرم دست خود که در گیتی

کلید گنج الهی گشایشست و گشاد

(همان، ۴۱)

شاعر بیان می‌دارد که انسان اگر از روی طمع و حرص به دنبال خواهش‌های نفسانی باشد، درنهایت برای نابودی خود گام برداشته است.

قرآن کریم در آیه ۴۵ سوره جاثیه درباره پیروی از هوای نفس می‌فرماید:

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَغَلَّبَ عَلَيْهِ قَلْبَهُ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ.

ای رسول ما! می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را پس از اتمام حجت گمراه ساخته و مهر بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده، پس او را بعد از خدا دیگر که هدایتش خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنا نمی‌شوید؟

و نیز در سوره کهف، آیه ۲۸ می‌فرماید:

وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ قُرْطًا

هرگز از کسانی که ما دل‌های آن را از یاد خود غافل نمودیم و پیرو هوای نفس خود شدند و به هر کاری پرداختند، پیروی نکن. کسی که تابع هوا و خواهش‌های نفسانی خویش باشد، از دیدن حقایق محروم خواهد شد؛ در مقابل اگر کسی تابع حق باشد و تعصب‌ها و تحجرها را کنار گذارد، با بصیرت و ضمیر روشن به حقایق امور دسترسی می‌یابد (زهدات، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

۲.۳. صبر و بردباری

بنا بر تفسیر آیه ۱۸ سوره یوسف: اینکه صبر به وصف جمیل بیان شده است و گاه نازیبا، زمانی زیباست که هدف از آن خشنودی باشد و بدان وجهی انجام گیرد که واجب شده است. در اینجا نیز چون آن صبر بر وجهی پسندیده صورت پذیرفته، اتصاف آن به وصف «جمیل» امکان پذیر شده است. برخی نیز گفته‌اند: مقصود صبری که با گلایه و بی‌تابی همراه نباشد و اگر در آیه صبر یعقوب (ع) به وصف «جمیل» منصف نمی‌شد، این گمان پیش می‌آمد که صبر او با گلایه و بی‌تابی همراه بوده است.

شکا الیّ جملی طول السری
یا جملی لیس الی المشتکی
الدر همان کلفانی ماتری
صبر جمیل فکلانا مبتلی

(سید مرتضی، ج ۱، ص ۲۵۹ و ۲۵۶)

شاعر در اینجا با اوصافی زیبا همگان را به صبری زیبا رهنمون می‌شود، آن هم صبری که در آن گلایه و شکایت نباشد تا مورد عنایت ویژه حضرت حق قرار گیرد.

و ما المرء إلاً نهب یوم و لیله
تَحَبَّ به شهب الفناء و دهمه

مرد تنها تاراج روز و شب است و تیرهای نابودی و نیستی بر او می‌بارد.

إذ کان باب الذلّ من جانب الغنی
سموت إلی العلیاء من جانب الفقر
صبرت و کان الصبر منی سجیه
و حسبک أنّ الله أثنی علی الصبر

(امالی، ۴/ ۱۷۲۶)

شریف مرتضی در این اشعار صبر و خویشتن‌داری را در همه امور برای رسیدن به درجات بالا مدنظر قرار داده و بر آن تأکید داشته و صبر را از فرامین الهی دانسته است.

چگونه دل نسپارم به صورت تو نگارا
که در جمال تو دیدم کمال صنع خدا را
نه رسم ماست بریدن ز دوستان قدیمی
درین دیار ندانم که رسم چیست شما را؟
جراحت دل عاشق دوا پذیر نباشد
چو درد دوست بیامد چه می‌کنیم دوا را؟
صبور باش در این غصه اوحدی، که صبوران
سخن ز خار برون آورند و سیم ز خارا؟

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۶۲: ۱۰۵)

حضرت علی (ع) میفرماید: الْجَلْمُ وَالْأَنَاةُ تَوَآمَانِ، يُنْتَجُهُمَا عُلُوُّ الْهَمَّةِ

بردباری و درنگ هم‌آهنگند و نتیجه آن بلندهمتتی است.

(نهج البلاغه، حکمت ۴۶۰)

دو شاعر هر کدام در مضمونی خاص صبر را زیبا جلوه داده و بیان داشته‌اند که یک راه رسیدن به حضرت معبود داشتن صبر و بردباری است و از محاسن اخلاق است.

۲.۴. ظلم‌ستیزی و شکایت از روزگار

با توجه به شرایط حاکم بر جامعه در دوران عباسی و اهمیت دادن به علم و عالمان و عنایتی که حاکمان عباسی به خاندان علوی داشتند، این امر باعث شد تا شریف مرتضی در اوج آزادی اندیشه تأثیرات قابل توجهی هم در کلاس درسش بر شاگردان و هم در آثارش برای آیندگان به یادگار بگذارد. در بعضی جاها با توجه به تفسیر قرآن کریم ابیاتی را که جنبه تربیتی و پرورشی دارد، سروده است که همواره راهنما و راه‌گشای اهل معرفت است.

حتی، إذا لم یتَرَ کو لعضامه لَحْمًا وَلَا لَفْؤَادَه مَعْقُولًا

این بیت شریف مرتضی اشاره دارد به سوره یوسف، آیه ۱۸ که شاعر خودش مفسر قرآن است و این بیت را بر آن حال سروده و بیان داشته است. چنین می‌گوید: تا آنکه نه بر استخوان‌های او گوشتی گذاشتند و نه برای دل او درک و دریافتی. این بیت بیانگر آن است که برادران یوسف، پیراهن او را به خونی دروغین آغشته کردند و نزد پدر آوردند. یعقوب گفت: نفس شما کار «بدی» را برای شما آراسته است. اینک صبری نیکو برای من بهتر است، بر آنچه که توصیف می‌کنید، خدا یاری‌ده است. (سید مرتضی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۵۷). مضمون این بیت چنان است که عمق ظلم و ستمی را که فرزندان یعقوب بر پدر روا داشته‌اند، بیان شده که از شدت غم حضرت یعقوب به جز استخوان، چیزی از وجودش باقی نمانده بود و راه درک را نیز بر او با نیرنگ بستند.

لَعْنَ اللّٰهَ رَجَالًا أترعو الدنيا غصویا

سیاً لمو عجزاً فلماً قدروا شتوا السحرویا

خداوند لعنت کند مردانی را که دنیا را پر از زور و تجاوز نمودند. (دیوان: ۱ / ۲۱۴ و ۲۱۵، به نقل از شکاری میر ۱۳۹۱: ۱۳۱). گذشت روزگار و گردش زمانه را به زیبایی تعبیر کرده و با این بیان درسی را به انسان‌ها داده که در هر پست و مقامی هستند، آن را مایه رستگاری خود قرار دهند نه مایه غرق شدن و پشیمانی خود در آینده.

ترش‌رویی‌ها و لبخندهای روزگار پی‌درپی بر من وارد آمد و جنگ و صلح روزگار مرا آزمود (امالی، ۲ / ۸۸۱).

کَم أَناسِ فِي نَعِيمٍ عَمَّوْا فِي ذَرِي مَلِكٍ تَعَالَى فَسَبِقْ

سکت آهر زماناً عنهم ثَم أَبْكَاهِم دَمًا حِينَ نَطَقْ

* چه بسا کسان که در آسایش روزگار و در سایه سلطنتی بلندآوازه و پرشکوه روزگار گذراندند.

* زمانی روزگار درباره آنان سکوت گزیده و سپس چون به سخن آمده، آنان را به گریه افکنده است (امالی: ۴/۱۶۳۵۴).

سَأَلْتَنِي بِأَناسِ هَلَكُوا شَرِبَ الدَّهْرَ عَلَيْهِم وَأَكَلْ

از من درباره کسانی پرسیده که مرده‌اند و روزگار نشان آنان را نیز برافکنده است.

در این بیت مقصود شاعر از «اکل و شرب» این است که روزگار آن را تباه کرده و وضع ایشان را دگرگون ساخته است. (همان، ۱۶۳۶). این اشعار شریف مرتضی با استناد به آیات قرآن کریم سروده شده‌اند که در بعضی آیات آمده است که انسان‌های ظالم به سزای اعمال خود هم در دنیا و هم در آخرت می‌رسند. خداوند تعالی در سوره شوری آیه ۴۰ تا ۴۲ فرموده است «و جزاء سَيِّئِهِ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» جزای بدی، مانند آن، بدی است. خدای متعال در آیه ۱۹۴ سوره شوری فرموده است: فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ.

پس هرکس بر شما تعدی کرد، بر او تعدی کنید و در سوره نحل، آیه ۱۲۶ آمده است: وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ. و اگر به شما کسی عقوبت و ستمی رسانید، شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید. روزگار انسان‌های ظالم را نابود می‌کند که مانند درختان بی‌بر شوند و آثاری از آن‌ها و نسل هایشان در زمین باقی نمی‌ماند.

شاعر توصیه دارد که باید از ظلم و ستم کردن در حق دیگران دوری کرد؛ چراکه ظلم باعث برانگیختن آتش برای ظالم می‌شود و نتیجه اعمال بد انسان است، انسان باید همواره به عدل و عدالت رفتار کند.

هزار بار گفتم که باز گرد از ظلم دگر ملول نگردی ز من، بگویم باز

برای خود سپری راست کن ز عدل و بترس زسهم آتش این سینهای تیر انداز

(همان، ۵۴)

شاعر در ادامه نیز تأکید به پرهیز کردن از ظلم به ستم‌دیدگان دارد. این ظلم و پیروی از هوی و هوس باعث نابودی فرد ظالم می‌شود.

ای خواجه ملک را که به دست تو داده‌اند قانون بدمنه که به کلی تو می‌خوری

بی‌عدل ملک دیر نماند، نگاه دار مال رعیت از ستم و جور لشکر

گرد هوی مگر که گردد وبال تو گر خود به بال جعفر طیار می‌پری

(همان، ۶۳)

شاعر در ادبیات زیر بیان می‌دارد: خانهٔ ظالم خراب می‌شود، ریشهٔ ظالم از بین می‌رود و توصیه به عدالت و بخشش دارد.

ظلمت ظلم تیره دارد راه	عدل باید جناح و قلب سیاه
خانهٔ ظالمان نه دیر، که زود	به فضیحت خراب خواهد بود
دود دل خانه‌سوز ظالم بس	بد کنش را همان مظالم بس
ظلم تاریک و دل سیه کندت	عدل رخشنده‌تر ز مه کندت
مرد را ظلم بیخ کن باشد	عدل و دادش حصار تن باشد

(همان، ۵۱۲)

۲.۵. توجه خاص به اهل بیت (ع)

شریف المرتضی با سرودن اشعاری زیبا توجه مردم را به اهل بیت (ع) معطوف می‌دارد که آنان حجت خدا در زمین هستند و مردم همواره از مرجعیت و راهبردهای اهل بیت و سیرهٔ آن‌ها و دستورات و فرامین الهی در قرآن کریم بهره‌مند گردند. درون‌مایهٔ اشعار شریف المرتضی در این خصوص چنین است که، پل ارتباطی بین انسان و خدا، ائمه و سیرهٔ آن‌ها می‌توانند باشند؛ زیرا قرآن که کتاب مقدس و بزرگ خدای متعال است، در منزل ائمه نازل شده است و منازل و قلوب آن بزرگواران پاک‌ترین مکان‌ها تلقی شده است. بشر همواره می‌تواند از این فضای فکری و فرهنگی مذهبی این شخصیت بزرگوار، درس آزادگی و اخلاص را به درگاه خدای متعال بیاموزد.

مهابطُ الأَ ملاکِ أبیاتہمُ ومستقرو المنزلِ المحکمِ

(دیوان، ج ۳، ص ۴۸۵)

ترجمه: خانه‌های ایشان محل فرود آمدن فرشتگان است و قرآن نازل شده که دارای آیات محکم است، در خانه‌های ایشان استقرار یافته است.

فَأَن يَكُنْ ذَنْبٌ فقولوا لِمَن شفعمکم فی العفو أن یغفرا

(دیوان، ج ۱، ص ۴۸۹)

شریف مرتضی در مرثیه‌سرایی‌های مذهبی‌اش در رثای امام حسین (ع) ابیات بسیاری را سروده است. واقعهٔ عاشورا در شعرش چنان به تصویر کشیده شده که چهرهٔ ظلم و بیداد را هویدا ساخته و حق را نیز برملا کرده است. همچنین وی صحنه‌های کربلا را برای مخاطبان خود بازسازی کرده و به هجو ستم‌گران و رسوایی ایشان و افشای ماهیت ننگین آنان می‌پردازد.

یا یوم ای شحی بمثلک ذاقه

عَصَبُ الرَّسُولِ وَصَفْوَةُ الرَّحْمَنِ

(دیوان، ج ۱۲ / ۵۶۰)

هان ای روز عاشورا! خاندان پیامبر و برگزیدگان پروردگار چه مصیبتی را بسان مصیبت تو چشیدند.

لَعَنَ اللَّهُ رَجَالًا

أَتْرَعُوا الدُّنْيَا غُصُوبًا

سَأَلَمُوا عَجْزًا فَلَمَّا

قَدَرُوا شَنَا الْحُرُوبَا

(سیاوشی، ۱۳۹۱: ۹)

خداوند لعنت فرستد مردانی را که دنیا را پر از زور و تجاوز نمودند.

مدح و ستایش پیامبر و اهل بیت (ع) از دیر باز مورد توجه شاعران فارسی زبان بوده است. مدح امام حسین (ع) و یاد شهادت و جان فشانی ایشان هر ساله برای مردمان تازگی دارد. واقعه عاشورا دردی است جان سوز که هرگز از ذهن بشریت پاک نخواهد شد و کانون توجه بشریت است.

مدح امام حسین (ع)

ای بر کنار و دوش نبی بوده منزلت

قندیل قبه فلکی خاک این هواست

تو شمع خاندان رسولی براستی

پیش تو همچو شمع بسوزد درون راست

بر حالت تو رفت قندیل و سوز شمع

جای شگفت نیست، نشانی از این عزا است

قندیل از این دلیل که : زردست روشنست

تو را حرارت از جگر ماتم شماس

هرسال تازه می شود این درد سینه سوز

سوزی که کم نگردد و دردی که بی دواست

کار فتوت از دل و دست تو راست شد

اندر جهان بگوی که این منزلت کراست

در آب و آتشییم چو قندیل بر سرت

آبی که فیض از مدد آتش عناست

(اوحدی، ۱۳۶۲: ۳۴)

نتیجه گیری

در بررسی و مقایسه پیام‌های تعلیمی و تربیتی در شعر این دو شاعر در ابیات عربی و ادبیات فارسی از اندیشه آن‌ها چنین استنباط می‌شود که شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای اگرچه در دوران‌های تاریخی کاملاً متمایز، هم از نظر تقویم و هم از نظر فرمانروایی حکام کاملاً فرق دارند؛ اما به نظر می‌رسد تعلیم و تربیت اسلامی که همان رسیدن به خالق و پیمودن راه کمال است، در اندیشه دو شاعر کاملاً آشکار است و مشترکات فکری و فرهنگی و تربیتی فراوانی به چشم

می‌خورد. در شعر هر دو شاعر مفاهیم تعلیمی و تربیتی، اجتماعی و عرفانی را می‌توان با اسلوب زیبایی شناختی ادبی که سخن به مقتضای حال و مقام هست، بر مبنای رشد فکری و فرهنگی عصر خود و آیندگان می‌توان دید. در این اشعار نوعی تبادل فرهنگی به چشم می‌خورد که هرگز فاصله زمانی زندگی این دو شاعر دیده نمی‌شود. این نکته مهم بیانگر یک پیوند بزرگ در اندیشه‌های تعلیمی و تربیتی بر مبنای آموزه های اسلامی و دینی است. شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای شعر خود را در قالب مواعظ و اندرزهای تعلیمی و تربیتی ساخته‌اند و از آن برای هدایت بشر از ظلمات و پلیدی‌ها به سوی خیر و نیکی و سعادت بهره‌جسته‌اند. استفاده این دو شاعر از مفاهیم و مبانی اخلاقی و تربیتی به شعرشان بهایی ویژه داده است. با توجه به مضامین اشعار این دو چنین به نظر می‌رسد که از آیات قرآن و احادیث و سیره انبیاء و اولیاء خدا به صورت مداوم بهره می‌برده‌اند و همواره الگوی کار آن‌ها بوده است. از جمله تعالیم مشترک اخلاقی و تربیتی موجود در شعر این دو شاعر در این مقاله تنها به موضوعات زیر پرداخته شده است:

۱- پند و اندرز؛ ۲- تذهیب نفس؛ ۳- صبر و بردباری؛ ۴- ظلم‌ستیزی و شکایت از روزگار؛ ۵- توجه خاص به اهل بیت.

منابع

کتاب‌ها

- اشرفی، امیراحمد. (۱۳۹۹). *دیوان کامل اوحدی مراغه‌ای*، تهران: انتشارات پیشرو.
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۸۸). *تاریخ عرفان عارفان ایرانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات کومش.
- دامادی، محمد. (۱۳۷۹). *مضامین مشترک فارسی و عربی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۷). *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- رزمجو، حسین. (۱۳۶۶). *شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی*، ج اول، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- زهدت، عبدالمجید. (۱۳۷۸). *تعلیم و تربیت در نهج البلاغه*، چاپ چهارم. قم: مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۳، چاپ نهم، تهران: چاپ خانه رامین.

مقالات

- افخمی عقدا، رضا؛ میمندی، وصال و زمانی، محسن. (۱۳۹۳). «بررسی مضامین عاشورایی شعر شریف المرتضی»، فصلنامه لسان مبین، (پژوهش ادب عربی)، شماره هفدهم، صص. ۳۱-۱.
- حسنعلیان، سمیه و خوبیان بادی، لیلا. (۱۳۹۲). «بازتاب پیام‌های اخلاقی و تربیتی در آینه اشعار عربی و فارسی شعر شریف المرتضی و حکیم سنایی»، کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن، استان گلستان_گرگان.
- سیاوشی، صابره و شکاری میر، مولا. (۱۳۹۲). «شخصیت نمادین امام حسین(ع) در شعر شریف المرتضی، پژوهشگاه علوم انسانی»، ادب عربی، شماره ۱، صص. ۲۲-۱.

پایان‌نامه

- رحیمی صادق، سعیده. (۱۳۷۹). *بررسی و نقد آثار اوحدی مراغه‌ای*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.
- علم‌الهدی، علی بن حسین موسی. (۱۳۹۶). *امالی سید مرتضی*، ترجمه و تحقیق حسین صابری، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.